



۲۰۲۱/۱۱/۲۰



سیرینه نوری موسی

چرا «مرگ و برادرش» اثر مهمی است؟

رمان تازه خسرو مانی، از جهات مختلفی اثری جدید در ادبیات داستانی افغانستان به شمار می رود. اولین ویژگی «مرگ و برادرش» این است که جزو معدود رمان‌های فارسی است که از ساختاری متفاوت برخوردار است و این ساختار با لحن و مضمون‌های داستانی آن هم خوانی دارد. رمان فارسی (چه در ایران و چه در افغانستان) هنوز هم با روایت‌های خطی و به شدت متمرکز بر واقعیت سروکار دارد، که لزوماً نه یک نقص، اما ساختاری کلیشه‌ای است. «مرگ و برادرش» اما روایتی نسبتاً پیچیده و نامتمرکز است. در این رمان شخصیت‌های زیادی حضور دارند که هر یک از چشم خود برشی از داستان را بیان می‌کنند؛ داستان مردی که برای دیدار با معشوقه‌اش در کافه‌ای در کابل از خانه‌اش خارج می‌شود اما ده دقیقه بعد راکتی به آن خانه اصابت می‌کند و تمام اعضای خانواده او کشته می‌شوند.



تمرکز داستان بر همین حادثه است، اما آن جوان کابلی، شخصیت مرکزی داستان نیست. در واقع هیچ یک از شخصیت‌های «مرگ و برادرش» مرکزی نیستند، بلکه هر یک به نحوی، آگاهانه، ناآگاهانه و حتا به شکلی تصادفی، بخشی از غم و درد و واکنش جوان کابلی به این حادثه را روایت می‌کنند. و این شخصیت‌ها فقط انسان‌ها نیستند، بلکه یک درخت یا یک سگ ولگرد نیز به بازگویی بخشی از روایت و تکمیل داستان می‌پردازن. به عبارتی، آن حادثه همه شخصیت‌های داستانی را زنجیروار به هم متصل می‌کند.

این ساختار از روایت تازه نیست؛ رمان‌های زیادی با چند روایت‌گر نوشته شده است و تکنیکی آشنا در

ادبیات است. رمان کلاریسا نوشته ساموئل ریچاردسون، نویسنده‌ی انگلیسی را، که در سال ۱۷۴۸ میلادی منتشر شد، یکی از اولین رمان‌هایی می‌دانند که داستان آن بیش از یک راوی دارد. ولی شاید مشهورترین اثری که با این تکنیک نوشته شده، «نام من سرخ است»، اثر اورهانپاموک باشد که جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۰۶ را از آن خود کرد. در این رمان بیش از بیست شخصیت کاملاً متفاوت (از جمله یک جسد، یک سگ ولگرد، یک سکه و پرند و اثر نقاشی) حضور دارد که هر یک به شکلی پازل قتل یک نقاش برجسته مینیاتور دربار عثمانی در ترکیه را تکمیل می‌کنند.

تکنیک راوی‌های متعدد در رمان کوتاه «مرگ و بردارش» نیز به شکلی پخته و سنجیده به کار رفته است. برخلاف اثر اورهانپاموک که در آن شخصیت‌ها از زاویه دید خود (اول شخص) هر فصل را قصه می‌کنند، در «مرگ و بردارش» این راوی دانای کل است که هر بخش از داستان را از چشم یکی از شخصیت‌ها قصه می‌کند اما لزوماً به زاویه دید آن شخصیت پایبند نیست.

داستان با بازگشت نویسنده‌ی از جشنی شبانه در پاریس به خانه و بی‌خوابی او آغاز می‌شود، ولی داستان اصلی در کابل و هنگامی اتفاق می‌افتد که نویسنده در اتاقش به خواب می‌رود. خسرو مانی با خلق این شخصیت در ابتدای داستان در واقع حضور دانای کل در طول داستان را توجیه و حتماً ضروری کرده است. شاید بیشتر ما به عنوان یک خواننده به جنبه‌های تکنیکی روایت و یا زاویه‌های دید اهمیت زیادی ندهیم، ولی اگر از قصه‌ای لذت می‌بریم و به نظرمان روان و پیوسته می‌آید یکی از دلایل اصلی آن وجود یک راوی خوب است؛ روایت‌گری که وجودش یک تصادف نیست، بلکه نویسنده او را خلق کرده است.

عنوان رمان جدید خسرو مانی از اسم تابلوی نقاشی «خواب و برادر ناتنی‌اش مرگ» اثر جان ویلیام واترهاوس (۱۸۷۴) گرفته شده و خسرو مانی با جابه‌جایی خواب و مرگ، عنوانی بامعنا و بدیع برای اثر خود انتخاب کرده است.

از نظر محتوا نیز «مرگ و بردارش» خلاقانه است؛ گرچه مرگ و خشونت و جنگ از مضمون‌های اصلی آثار ادبی نویسنده‌گان اهل افغانستان است، اما نگاه خسرو مانی به این مضمون‌ها، بدیع و تازه است؛ راوی جزییات را روایت می‌کند اما خود را درگیر آن نمی‌سازد و مانع دید و برداشت خواننده نمی‌شود. از حوادث همان‌قدر می‌گوید که برای تحریک تخیل خواننده کافی باشد؛ نه بیشتر و نه کمتر. همین ویژگی داستان است باعث می‌شود کمتر خواننده‌ی کتاب را پیش از آن که به پایان برساند، کنار بگذارد. «مرگ و بردارش» به هیچ عنوان از آثار نویسنده‌گان مطرح اروپایی و غربی کمتر نیست و شایسته هست که به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شود. من ترجمه این کتاب به زبان انگلیسی را بر عهده گرفته‌ام و امیدوارم تا نروز تکمیل شود. ترجمه آثار داستانی خوب افغانستان می‌تواند به ارتقاء جایگاه ادبیات داستانی افغانستان در داخل و در سطح جهانی کمک کند..

رمان «مرگ و بردارش» را نشر نبشت منتشر کرده و از وبسایت این انتشارات و نیز فروشگاه‌های

آمازون در سراسر جهان ارايه شده است. نسخه الکترونيک اين کتاب روی اپليکيشن کتاب خوان نبشت موجود است.

در افغانستان، انتشارات اميری اين کتاب را به نشر رسانده و از کتاب فروشی معتبر در کابل و ساير ولايات ارايه شده است.

اين مضمون در سايت هشت صبح در تاريخ جمعه، ۲۸ عقرب ۱۴۰۰ به نشر رسیده ولی اسم نوسينده معلوم نيست.

